

۳
افقهجوم به خاک اروپا
بررسی مهاجرت مراکشی‌ها به اسپانیا۴
کافهآینه‌گردان روزگار
بلقیس سلیمانی از دولت‌آبادی می‌گوید۵
تماشامرگ تدریجی خنده
۱۲ چهره تأثیرگذار سینمای کمدی۵
کتابتاریخ صنعت
خاطرات محمدرضا نعمت‌زاده۷
کوچه

شب تلخ قشم

بمب یک تنی آمریکا بر سر یک خانه مسکونی

یادداشت روز

هزینه‌های جنگ
و فرصت‌های صلح

زمان تصمیم بزرگ فرا رسیده است

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل



در سیاست، گاهی بزرگ‌ترین پیروزی نه در ادامه نبرد بلکه در یافتن راهی برای پایان دادن به آن است. ایران و آمریکا امروز در نقطه‌ای ایستاده‌اند که هر گام اشتباه، می‌تواند منطقه را به جنگی فراگیر بکشاند؛ جنگی که هزینه‌های آن نه تنها دو طرف بلکه کل خاورمیانه و اقتصاد جهانی را در بر خواهد گرفت. از زمان برهم خوردن تفاهم میان ایران و آمریکا در ۲۸ خرداد، روابط دو کشور وارد مرحله‌ای شده که شاید بتوان آن را خطرناک‌ترین مقطع چند دهه اخیر دانست. افزایش تنش‌های نظامی، هشدارهای مکرر درباره احتمال ورود دوباره اسرائیل به میدان و شکل‌گیری ائتلاف‌های امنیتی جدید در منطقه، همگی نشانه‌هایی هستند که از نزدیک شدن به یک بحران بزرگ حکایت دارند. با این حال پرسش اصلی این است که ادامه این مسیر چه دستاوردی برای ایران خواهد داشت؟ واقعیت آن است که هیچ جنگی صرفاً با شعار و اراده سیاسی اداره نمی‌شود. توازن قدرت، ظرفیت اقتصادی، توان صنعتی و تاب‌آوری اجتماعی، عناصر تعیین‌کننده هر رویارویی بلندمدت هستند. ایالات متحده همچنان بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان است و بودجه دفاعی آن از کل تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها، از جمله ایران، فراتر می‌رود. نادیده گرفتن این واقعیت و تصمیم‌گیری بر مبنای آرزوها یا پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه درباره افول قریب‌الوقوع آمریکا می‌تواند، محاسبات راهبردی را با خطای جدی مواجه کند.

در مقابل، ایران در سال‌های اخیر با فشار تحریم‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری، فرسودگی زیرساخت‌ها، بحران انرژی، کمبود آب و مشکلات اقتصادی گسترده روبه‌رو بوده است. چنین شرایطی، ظرفیت کشور برای تحمل یک جنگ فرسایشی دیگر را به شدت محدود می‌کند. اگر امروز امکان مدیریت بحران وجود دارد شاید فردا با خسارت‌های بیشتر به زیرساخت‌ها، صنایع و زندگی مردم همان گزینه‌ها با هزینه‌ای بسیار سنگین‌تر روی میز قرار گیرند. تحولات منطقه نیز بر پیچیدگی معادله افزوده است. تشکیل ائتلاف دریایی به رهبری عربستان سعودی با مشارکت چند کشور و حضور پاکستان، که هم‌زمان نقش میانجی میان تهران و واشنگتن را نیز برعهده دارد، تنها یک آرایش امنیتی ساده نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تغییر موازنه‌های منطقه‌ای است. در چنین فضایی، هرگونه گسترش درگیری می‌تواند، کشورهای بیشتری را وارد بحران کند و دامنه جنگ را از مرزهای ایران و آمریکا فراتر ببرد. در این میان، تصور اینکه قدرت‌های بزرگ با شرکای اقتصادی ایران در هر شرایطی در کنار تهران خواهند ایستاد نیز با واقعیت‌های سیاست بین‌الملل همخوانی ندارد. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس بیش از هر چیز به ثبات مسیرهای انرژی و تجارت نیاز دارد. اروپا نیز هرچند ممکن است در برخی موضوعات با واشنگتن اختلاف‌نظر داشته باشد اما در نهایت امنیت کشتیرانی و جریان آزاد انرژی را اولویتی راهبردی می‌داند. بنابراین امید بستن به شکاف‌های مقطعی میان قدرت‌های غربی یا حمایت بی‌قیدوشرط شرکای شرقی، نمی‌تواند جایگزین یک راهبرد واقع‌بینانه شود. اکنون مسئله تنگه‌هرمز نیز به یکی از مهم‌ترین محورهای بحران تبدیل شده است. این آبراه حیاتی، شریان اصلی انتقال انرژی جهان است و هرگونه اختلال در آن، واکنش گسترده جامعه بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت. اگر بتوان بازگشایی و تضمین امنیت این مسیر را در قالب یک توافق جامع با رفع محدودیت‌های اقتصادی، کاهش محاصره دریایی و گام‌های متقابل اعتمادساز پیوند زد شاید فرصتی برای خروج آبرومندانه از چرخه تنش فراهم شود. تاریخ نشان داده که هنر سیاست صرفاً آغاز کردن نبرد نیست؛ بلکه یافتن زمان مناسب برای پایان دادن به آن است. امروز نیز ایران و آمریکا بیش از هر زمان دیگری به یک راه‌حل سیاسی نیاز دارند؛ راه‌حلی که نه بر پایه تسلیم بلکه براساس منافع ملی، کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از نابودی بیشتر شکل گیرد. صلح پایدار زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که هر دو طرف بپذیرند ادامه رویارویی، برنده‌ای نخواهد داشت و بزرگ‌ترین قربانی آن، مردم و آینده منطقه خواهد بود.

سحرگاه تصمیم‌گیری

محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران ضمن تشریح جزئیات نحوه تصمیم‌گیری درباره اعلام خبر شهادت رهبر شهید تصریح کرد که در کنار دو میدان نظامی و خیابان باید میادین دیپلماسی و خدمت را هم ببینیم و هیچ‌یک از آنها را تضعیف نکنیم
او تأکید کرد: باید پیروزی در میدان نظامی را از جهت حقوقی و سیاسی نیز تثبیت کنیم



عاطفه شمس

گروه سیاسی



«پیروزی در جنگی که پیروز شدیم باید تثبیت شود؛ اگر نتوانیم از جهت حقوقی و سیاسی این دستاورد نظامی را ثبت کنیم، چگونه می‌خواهیم از آن استفاده کنیم؟» محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکره‌کننده کشورمان با طرح این گزاره، مهم‌ترین محور سخنانش در نشست شورای هماهنگی مجلس را بر ضرورت تثبیت دستاوردهای جنگ در عرصه حقوقی و سیاسی بنا کرد. او گفت: «باید بتوانیم این پیروزی را ثبت و از آن خود کنیم. حتماً نیازمند این هستیم که کشور امید به آینده داشته باشد و چشم‌انداز آینده‌اش روشن باشد». قالیباف در ادامه «قوی شدن ایران» را مهم‌ترین اولویت امروز دانست و تأکید کرد، اقتدار کشور زمانی محقق می‌شود که میدان نظامی، دیپلماسی، خدمت و حضور مردم در کنار یکدیگر قرار بگیرند. رئیس مجلس همچنین در بخش دیگری از سخنانش با روایت جزئیاتی از ساعات پس از شهادت رهبر شهید، توضیح داد که چگونه انتشار خبر از سوی شبکه‌های خارجی، تصمیم اولیه برای اعلام خبر در ساعت ۸ صبح را تغییر داد و به اعلام آن در سحرگاه انجامید.

قالیباف سخنانش را با تأکید بر اولویت امروز کشور آغاز کرد و گفت: «امروز ما واقعاً و حتماً قوی شدن ایران را موضوع اول می‌دانیم و امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت این موضوع را احساس می‌کنیم». او با یادآوری اینکه از چهار، پنج سال گذشته، یعنی از بعد از شهادت شهید سلیمانی، «امام شهید» مرتب بر مفهوم «ایران قوی» تأکید داشتند، افزود: «ما در گام دوم انقلاب، با رهبری رهبر انقلاب اسلامی باید بر قوی شدن متمرکز باشیم». رئیس مجلس معتقد است که تحقق این هدف نیز پیش از هر چیز به «وحدت حول محور ولایت» وابسته است و می‌گوید: «مسئولان باید بستر لازم را برای ولی فقیه فراهم کنند تا امروز بتوانیم این اقتدار، این قدرت و این قوی بودن را داشته باشیم».

| ادامه در صفحه ۲



سیاست

فرزندان ایران

واکنش رئیس جبهه اصلاحات
به پیام‌های تهدیدآمیز



گروه سیاسی: آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات و دبیرکل حزب اتحاد ملت، در یادداشتی با عنوان «فرزندان ایران» با اشاره به پیام‌های توهین‌آمیز و تهدیدآمیزی که پس از انتشار نامه‌اش به رئیس قوه‌قضائیه درباره اعدام‌ها دریافت کرده است بر ضرورت توقف چرخه و خشونت، گسترش فرهنگ گفت‌وگو و مدارا و پاسداشت کرامت همه ایرانیان، فارغ از گرایش‌های سیاسی، تأکید کرد.

رئیس جبهه اصلاحات، نوشت: از روزی که نامه‌ام به رئیس قوه قضائیه درباره اعدام‌ها منتشر شد، شماره تلفن همراهم در برخی شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد و از هشتم مرداد، پیام‌های بسیاری برابرم رسید؛ پیام‌هایی آمیخته با خشم، توهین و تهدید. این سطور را برای پاسخ دادن به آن پیام‌ها نمی‌نویسم. من نه قصد مقابله با شما را دارم و نه می‌خواهم بر آتش این خشم چیزی بیفزایم.

اجازه دهید این بار نه از موضع یک فعال سیاسی بلکه از جایگاه یک مادر با شما سخن بگویم. سال‌هاست که این سرزمین، بیش از آنکه از دشمنانش زخم بخورد از شکاف میان فرزندان خود آسیب دیده است. هر بار که ما ایرانیان به‌جای همدلی و هم‌افزایی برای ساختن آینده‌ای بهتر در برابر یکدیگر ایستاده‌ایم، ایران چیزی از جان خود را از دست داده است.

در اعتراضات سال‌های گذشته، انسان‌های بسیاری جان باختند. هر یک از آنان پیش از آنکه در هر جایگاه سیاسی، امنیتی یا اجتماعی تعریف شوند، فرزند این آب و خاک بودند. جوانانی که با امید یا خشم به خیابان آمدند؛ مردم عادی که ناخواسته در میانه حوادث گرفتار شدند؛ نیروهای انتظامی و دیگر مأمورانی که جان خود را از دست دادند یا آسیب دیدند؛ و نیز آنان که در جریان برخوردها با شلیک گلوله یا دیگر اشکال خشونت، جان یا سلامت خود را از دست دادند یا برای همیشه داغی بر تن و جانشان ماند. هر کدام از اینها داغی بر دامن ایران است.

من نمی‌توانم میان اشک یک مادر و اشک مادری دیگر تفاوت بگذارم. مادری که فرزندش معترض بود، مادری که فرزندش مأمور بود، مادری که رهگذری بی‌پناه را از دست داد؛ همه یک اندوه را بر دوش می‌کشند. درد، رنگ جناح و عقیده نمی‌شناسد.

شاید شما با سخنان من موافق نباشید. این حق شماست. اما آیا سزاوار است که اختلاف‌نظر به تهدید و نفرت بینجامد؟ آیا کشوری که فرزندانش زبان گفت‌وگو را فراموش کنند و به‌جای استدلال، یکدیگر را حذف کنند، می‌تواند آینده‌ای روشن داشته باشد؟

ایران امروز به بلوغی تاریخی نیاز دارد؛ بلوغی که در آن گفت‌وگو، جایگزین خشونت شود، اعتراض مدنی حقی به رسمیت شناخته شود، رواداری نسبت به مخالف، فضیلتی ملی باشد و هیچ‌کس به سبب اندیشه، نقد یا اعتراض، مستحق حذف، تحقیر یا مرگ شمرده نشود.

نه خشونت، راه نجات ایران است و نه حذف. هیچ ملتی با انتقام، آباد نشده است. کشورها زمانی قد می‌کشند که شهروندانشان پیام‌زنند حتی در عمیق‌ترین اختلاف‌ها، کرامت انسانی یکدیگر را پاس بدارند.

من از شما نمی‌خواهم که همفکر من باشید. تنها از شما می‌خواهم که پیش از فرستادن یک پیام تهدیدآمیز لحظه‌ای به مادری بیندیشید که چشم به‌راه آرامش فرزندش است. باور کنید هیچ مادری از ترسیدن فرزند دیگری احساس امنیت نمی‌کند.

بیا بید این زنجیره کینه را همین جا متوقف کنیم. اگر قرار است ایران به سمت توسعه و رفاه و آرامش حرکت کند باید با دستان و اراده همه فرزندانش این مسیر طی شود نه با حذف یکدیگر، نه با نفرت از یکدیگر و نه با مرگ یکدیگر. من هنوز به ایران و فرزندانش امید دارم.

ادامه تیتربیک

سحرگاه تصمیم‌گیری

در همین رابطه، او تأکید کرد که قوی شدن ایران از قوی شدن تک‌تک ایرانیان، خانواده‌ها و جامعه آغاز می‌شود و گفت: «اگر می‌خواهیم، ایران قوی داشته باشیم باید از اینجا شروع شود تا تک‌تک ایرانی‌ها قوی شوند، خانواده‌های ایرانی قوی شوند، ملت ما قوی شود و انقلاب اسلامی و ایران عزیز ما قوی شوند».

چهار میدان برای ایران قوی

اما مهم‌ترین بخش سخنان قالیباف به ارزیابی او از نتایج جنگ اختصاص داشت. او از یک‌سو بر پیروزی ایران تأکید کرد و از سوی دیگر نسبت به از دست رفتن ظرفیت‌های این پیروزی هشدار داد و افزود: «این موضوع هم منوط به پیروزی در این جنگ است؛ پیروزی در جنگی که پیروز شدیم. خواهش می‌کنم به این نکته دقت کنید ولی این پیروزی باید تثبیت شود. باید بتوانیم این پیروزی را ثبت و از آن خود کنیم. حتماً نیازمند این هستیم که کشور، امید به آینده داشته باشد و چشم‌انداز آینده‌اش روشن باشد و آن یکپارچگی و وحدت هم وجود داشته باشد». قالیباف سپس بر حلقه مفقوده این پیروزی تأکید کرد و ادامه داد: «اگر این جنگ - جنگی که ما ۴۰ روز جنگیدیم و حزب‌الله ۱۰۴ روز جنگید- به هر حال برای ما آورده‌ای داشته باشد، اگر ما نتوانیم از جهت حقوقی و سیاسی این دستاورد نظامی‌مان را به‌دست آوریم، آن را ثبت کنیم و همه دنیا این موضوع را ببینند، چگونه می‌خواهیم از آن استفاده کنیم؟»

او در ادامه، این نگاه را به چارچوب کلی اداره کشور پیوند زد و گفت، ایران تنها زمانی قدرتمند خواهد بود که هیچ‌یک از میدان‌های اثرگذار در برابر دیگری قرار نگیرد. رئیس مجلس تصریح کرد: «ما چهار جبهه و چهار میدان داریم که باید هم‌زمان و هماهنگ با یکدیگر عمل کنند». او با بیان اینکه «نباید این میدان‌ها را از هم جدا کنیم؛ جدا کردن این میدان‌ها یعنی تضعیف ایران»، تأکید کرد: «ایران زمانی قوی خواهد بود که میدان نظامی، میدان دیپلماسی، میدان خدمت و میدان حضور مردم در کنار یکدیگر و مکمل هم باشند».

روایت ساعات پس از شهادت رهبری

قالیباف در بخش دیگری از سخنان خود به روایت روند تصمیم‌گیری درباره زمان اعلام خبر شهادت رهبر شهید پرداخت؛ ساعاتی که به گفته او، پس از قطعی شدن خبر شهادت رهبر شهید آغاز شد و مسئولان ارشد کشور برای مدیریت شرایط گرد هم آمدند. رئیس مجلس با بیان اینکه «حالا فرصت پرداختن به همه جزئیات نیست»، ادامه داد: «از همان لحظه‌ای که حادثه رخ داد و شهادت آقا قطعی شد، شاید حدود یک ساعت پس از بمباران، ما پیگیری‌ها را آغاز کردیم. تا تلاش کردیم، سرن‌قوا را دور هم جمع کنیم، شش ساعت ۸ شب. خدا رحمت کند شهید لاریجانی را؛ همه تلاش‌مان این بود که مسئولان هرچه سریع‌تر کنار هم قرار بگیرند و تصمیم‌گیری لازم انجام شود. حتی آیت‌الله لاریجانی و دیگر دوستان هم برای

باستور

چراغ سبز دولت به اصناف

معاون اول رئیس‌جمهور از آمادگی دولت برای واگذاری اختیارات بازار به فعالان صنفی خبر داد

زمانی موفق خواهد بود که ظرفیت‌های بخش خصوصی و فعالان میدان اقتصاد در آن به‌کار گرفته شود.

او با تأکید بر اینکه دولت به بازار اعتماد دارد و برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به همکاری اصناف نیازمند است، گفت: «اگر اتحادیه‌ها جایگاه واقعی خود را احیا کنند، می‌توانند در برخورد با تخلفات، تنظیم بازار و حتی تعیین مالیات صنوف نقش مؤثرتری ایفا کنند و دیگر نیازی به مداخله گسترده دستگاه‌های نظارتی نخواهد بود». عارف همچنین از آمادگی دولت برای بررسی مشکلات اصناف ازجمله مسائل مالیاتی خبر داد و تأکید کرد که «مالیات باید بر پایه عدالت و متناسب با شرایط تولید و درآمد واحدهای اقتصادی دریافت شود اما در کنار آن باید با فرارهای مالیاتی نیز برخورد جدی صورت گیرد».

معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه، راهبر دولت در دو سال گذشته را تأمین معیشت مردم، ایجاد ثبات نسبی در بازار و مهار تورم عنوان کرد و گفت این مسیر در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت. او معتقد است بسیاری از چالش‌های اقتصادی کشور با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و همراهی بازار قابل مدیریت است.



هنگام سحر، زمانی که مردم سر سفره سحری هستند، اعلام کنیم و از مردم بخواهیم به خیابان‌ها بیایند». او دلیل این تصمیم را نیز چنین توضیح داد: «اگر آن تصمیم را نمی‌گرفتیم احتمال داشت، فضای خیابان به شکل دیگری رقم بخورد».

قالیباف با اشاره به نتایج این تصمیم و جمع‌بندی خود از شرایط کشور گفت: «هرچه زمان گذشت بیشتر احساس کردیم که عنایت و لطف خدا شامل حال ما شده است. شاید واقعاً اتفاق دیگری می‌افتاد و صبح می‌آمدند و می‌گفتند، شما چه کاره بودید که دو نفری این تصمیم را گرفتید اما همه فهم امنیتی ما، همه شعور ما می‌گفت باید این تصمیم را بگیریم. ما با بررسی دقیق شرایط امنیتی و ارزیابی ده‌ها عامل مختلف به این جمع‌بندی رسیدیم که باید همان لحظه تصمیم بگیریم».

قالیباف در پایان با اشاره به تداوم شرایط پس از آن تصمیم و شکل‌گیری جبهه مردم افزود: «واقعاً و واقعاً این ملت مبعوث شدند. امروز هم بعد از گذشت حدود ۱۵۰ شب، مردم همچنان در صحنه هستند. این میدان، میدان خیابان است». او در ادامه تجربه آن روزها را مؤید همان الگویی دانست که از ابتدای سخنانش بر آن تأکید داشت؛ اینکه حفظ انسجام کشور، نه با اتکا به یک میدان بلکه با هم‌افزایی هم‌زمان میدان نظامی، دیپلماسی، خدمت و حضور مردم امکان‌پذیر است و تأکید کرد: «چهار میدان حضور مردم، خدمت، دیپلماسی و مذاکره و میدان نظامی باید در کنار هم باشند. هر کسی بخواهد این میدان‌ها را مقابل هم قرار دهد یا بگوید یکی مهم است و دیگری نیست، اشتباه می‌کند. این چهار حوزه باید مکمل و متوازن باشند». رئیس مجلس در ادامه با اشاره به پیگیری‌های خود در این مدت افزود: «خدا را شاهد می‌گیرم که در این حدود ۱۵۰ روز از زمان جنگ ۱۲ روزه تا امروز حتی یک لحظه از پیگیری مسائل مهم این چهار جبهه غفلت نکرده‌ام».

او در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ضرورت مقابله با گران‌فروشی، احتکار و کم‌فروشی از اصناف خواست در کنار دولت برای مقابله با این ناهنجاری‌ها حضور داشته باشند. عارف با قدردانی از همراهی بازاریان در دو سال گذشته به‌ویژه در شرایط جنگی، گفت: «کشور با همکاری مردم و بازار بدون کمبود کالا اداره شد و دولت حتی برای شرایط دشوارتر نیز برنامه‌ریزی کرده است اما حفظ آرامش مردم همچنان اولویت اصلی خواهد بود».

معاون اول رئیس‌جمهور تأکید کرد که دولت اعتقادی به تقابل با بازار ندارد و اعتماد متقابل میان دولت و اصناف، شرط مدیریت موفق اقتصاد است. او نتیجه‌بخشی اصلاح ساختارهای اقتصادی را نیز وابسته به تعامل دولت، بخش خصوصی و اصناف و اصلاح تدریجی قوانین و مقررات دانست.

عارف در پایان به موضوع نوسانات نرخ ارز اشاره کرد و گفت افزایش نرخ ارز معمولاً به سرعت در قیمت کالاها اثر می‌گذارد اما کاهش نرخ ارز همیشه به همان سرعت در قیمت‌ها منعکس نمی‌شود؛ روندی که به گفته او، نیازمند اصلاح و مدیریت دقیق‌تر در زنجیره بازار است.

شب دستگیری مادورو

روایت رودریگز از ماجرای تماس‌های محرمانه قطر، ترامپ و رویو پس از سقوط رئیس‌جمهور سابق ونزوئلا

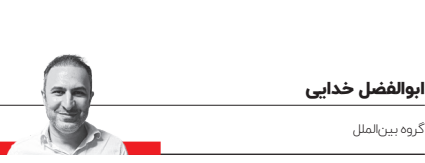
گروه بین‌الملل: مجله تایم در گفت‌وگو با دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور ونزوئلا، تصویری متفاوت از یک‌سی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های حکومت ونزوئلا ارائه می‌دهد؛ سیاستمداری که اکنون میان میراث چاویسم و واقعیت‌های اقتصادی کشور، تعادل برقرار می‌کند. در بخش‌هایی از این مصاحبه آمده است: رودریگز درحالی که در اتاقی با دیوارهای مرمرین و تزئینات طلایی نشسته است با لحنی آرام و سنجیده، زنجیره حوادثی که او را به قدرت رساند، روایت می‌کند. او می‌گوید، دوم ژانویه با نیکلاس مادورو دیدار کرد تا درباره برنامه‌های اقتصادی ونزوئلا و محاصره دریایی‌ای که آمریکا از دسامبر اعمال کرده بود، گفت‌وگو کنند. پس از آن به جزیره مارگارتا، در سواحل دریای کارائیب، رفت؛ جایی که برادر و برادرزاده‌هایش در حال گذراندن تعطیلات بودند. حدود ساعت ۱۱ شب به آنجا رسید؛ تنها چند ساعت پیش از آنکه تماس‌های اضطراری آغاز شود. اوایل بامداد، یگان‌های نظامی آمریکا به محل اقامت مادورو در داخل مجتمع نظامی «فورت تیونا» نفوذ کردند. آنها مادورو را درحالی که لباس خواب به تن داشت، بازداشت کردند و او و همسرش را به سرعت از کشور خارج کردند. رودریگز می‌گوید: «در ابتدا لحظات بسیار دشواری را پشت سر گذاشتیم چون تصور می‌کردیم رئیس‌جمهور و بانوی اول کشته شده‌اند. اما بعد فهمیدیم که آنها را به ایالات متحده منتقل کرده‌اند و همین موضوع، شرایط را کاملاً تغییر

داد». به گفته مقام‌های وزارت خارجه آمریکا، دولت ترامپ حتی از ترکیه خواست به مادورو پناهندگی بدهد مشروط بر اینکه او به‌صورت مسالمت‌آمیز، قدرت را ترک کند اما مادورو این پیشنهاد را رد کرد. یکی از نخستین تماس‌های رودریگز با شخصی غیرمنتظره بود؛ شیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر قطر، که طی سال‌های گذشته با او رابطه‌ای نزدیک برقرار کرده بود. او نقل می‌کند که امیر قطر به او گفت: «حالا مسئولیت بر دوش توست. تو مسئول حفظ ونزوئلا هستی». به گفته رودریگز و مقام‌های آمریکایی، مقام‌های قطری همان روز سوم ژانویه، تماس تلفنی میان او و مارکو رویو را هماهنگ کردند. نخستین سوال رودریگز این بود: «آیا مادورو زنده است؟» رویو به او اطمینان داد که مادورو زنده است و برای اثبات این موضوع مقام‌های آمریکایی، تصویری از او که با لباس زندان داخل بالگرد و در مسیر نیویورک بود را ارسال کردند. سپس وزیر امور خارجه آمریکا پیام داد: یا ونزوئلا خواسته‌های واشنگتن را می‌پذیرد یا باید منتظر ادامه فشارهای نظامی باشد. رودریگز با این شرایط موافقت کرد. یکی از دستیارانش می‌گوید، او هیچ گزینه عملی دیگری پیش روی خود نمی‌دید. خود رودریگز نیز می‌گوید: «اگر کاملاً صادق باشم هرگز تصور نمی‌کردیم، پایتخت کشور هدف حمله قرار گیرد؛ چه برسد به اینکه چنین اتفاقی برای رئیس‌جمهور و بانوی اول رخ دهد». او صبح روز بعد برای نخستین‌بار با دونالد ترامپ گفت‌وگو کرد. رودریگز می‌گوید:

اروپا

هجوم به خاک اروپا

پشت پرده مهاجرت عظیم مراکشی‌ها به خاک اسپانیا



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

ورود دهها هزار مهاجر از مراکش به شهر سبتة (سوتئا) یکی از جدی‌ترین بحران‌های مرزی اروپا در سال‌های اخیر را رقم زده است؛ بحرانی که تنها یک موج مهاجرتی نیست بلکه حاصل تلاقی مشکلات اقتصادی، تنش‌های سیاسی، اختلافات ارضی و نقش فزاینده شبکه‌های قاچاق و فضای دیجیتال در مدیریت حرکت‌های انسانی است. در یکی از کم‌سابقه‌ترین تحولات مرزی، وزارت کشور اسپانیا از ورود حدود ۴۹ هزار مهاجر به سبتة در شمال آفریقا طی تنها ۲۴ ساعت خبر داد؛ موجی که دولت مادرید را مجبور کرد برای کنترل شرایط، نیروهای ارتش را در کنار گارد مدنی و یگان‌های گارد ساحلی مستقر کند. همزمان گزارش‌ها از کشف اجساد ۱۸ نفر در آب‌های اطراف این منطقه حکایت دارد و عملیات جست‌وجو برای یافتن افراد مفقود همچنان در جریان است. این بحران یادآور موج مهاجرتی سال ۲۰۲۱ است؛ زمانی که در اوج تنش‌های دیپلماتیک میان اسپانیا و مراکش بیش از ۱۰ هزار مهاجر در مدت دو روز وارد سبتة شدند. آن اتفاق نشان داد که این منطقه کوچک می‌تواند در مدت کوتاهی به یکی از حساس‌ترین نقاط مرزی اروپا تبدیل شود.

ماجرای توافق بازگرداندن مهاجران

میان مراکش و اسپانیا، توافقی امنیتی برای بازگرداندن مهاجرانی که به‌صورت غیرقانونی وارد سبتة می‌شوند، وجود دارد. براساس این توافق، مهاجران پس از بازداشت باید به شهرها و مناطق محل سکونت خود در مراکش بازگردانده شوند. اورسولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا نیز گفت هیچ‌کس به سرزمین اصلی اسپانیا یا بقیه اتحادیه اروپا نرسیده است. اتحادیه اروپا همچنین در بیانیه‌ای از همکاری مادرید و رباط برای بازگرداندن سریع مهاجران غیرقانونی استقبال کرده و تحولات سبتة را نیازمند «پاسخی فوری، هماهنگ و مشترک» دانسته است. بروکسل تأکید کرده که اجازه نخواهد داد شبکه‌های قاچاق انسان، امنیت مرزهای خارجی اتحادیه اروپا را تضعیف کنند. در همین حال ایتالیا اعلام کرد که در واکنش به هجوم گسترده مهاجران از مراکش به سبتة، توافق‌نامه‌های شنگن با اسپانیا را به حالت تعلیق درآورده است؛ اقدامی که نشان‌دهنده نگرانی برخی کشورهای اروپایی از سرایت پیامدهای این بحران به سایر مرزهای داخلی اتحادیه اروپاست. پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا نیز از واکنش برخی دولت‌های اروپایی انتقاد کرد و آنها را متهم کرد که به دلیل «تعصب، اخبار جعلی، جهل یا منافع سیاسی» موضع‌گیری

پیشرفت اجتماعی باعث شده بسیاری از جوانان، مهاجرت به اروپا را تنها مسیر دستیابی به ثبات اقتصادی و حمایت از خانواده‌های خود از طریق ارسال پول بدانند. این فشار اقتصادی پس از فروپاشی اقتصاد غیررسمی مرزی شدت گرفت. اقتصاد شمال مراکش، سال‌ها با سبتة پیوند نزدیکی داشت و بخش مهمی از درآمد مردم منطقه از تجارت غیررسمی موسوم به «پورتو» (porteo) تأمین می‌شد. هزاران نفر روزانه وارد سبتة می‌شدند تا کالاهای مصرفی معاف از عوارض را به مراکش منتقل و در بازارهای محلی عرضه کنند. اما اقدامات رسمی برای مقابله با قاچاق خرد و تعطیلی برخی گذرگاه‌های تجاری مرزی، این منبع درآمد را از بین برد و فشار اقتصادی بر جوامع مرزی را افزایش داد.

نقش شایعات و شبکه‌های دیجیتال

در کنار عوامل اقتصادی، فضای مجازی نیز نقش مهمی در تشدید بحران دارد. انتشار شایعات درباره باز بودن مرزها یا آسان‌تر شدن ورود به خاک اسپانیا، هزاران نفر را در مدت کوتاهی به سمت مناطق مرزی کشاند. شبکه‌های قاچاق انسان نیز از فناوری‌های جدید برای سازمان‌دهی حرکت مهاجران استفاده می‌کنند. این گروه‌ها از پیام‌سان‌های رمزگذاری شده و شبکه‌های اجتماعی برای انتشار اطلاعات درباره وضعیت نیروهای مرزبان، شرایط جزر و مد برای عبور دریایی یا برداشت‌های نادرست از قوانین پناهندگی اسپانیا بهره می‌برند.

چرا سبتة همچنان مقصد اصلی است؟

موقعیت جغرافیایی، مهم‌ترین عامل جذابیت سبتة برای مهاجران است. این شهر در سواحل شمال آفریقا و در نزدیکی تنگه جبل‌الطارق قرار دارد و همراه با ملیله، تنها مرز زمینی مستقیم میان آفریقا و اروپا محسوب می‌شود. برای ساکنان استان‌های شمالی مراکش مانند مضیق-فنیقد و تطوان، اروپا در فاصله‌ای بسیار نزدیک قرار دارد و در روزهای صاف حتی از فاصله دور قابل مشاهده است. همین نزدیکی باعث می‌شود، مسیر سبتة در مقایسه با سفرهای طولانی از صحرای آفریقا یا مسیر خطرناک دریایی به جزایر قناری، دست‌یافتنی‌تر به‌نظر برسد. مهاجرت به سبتة معمولاً از سه مسیر انجام می‌شود: عبور از حصار مرزی به شدت محافظت شده، شنا کردن در اطراف موج‌شکن‌های مرزی در مناطق تارآخال و بلیونش، یا استفاده از قایق‌های کوچک.

آینده بحران چه خواهد بود؟

بحران سبتة نتیجه یک عامل واحد نیست؛ بلکه محصول ترکیبی از مشکلات اقتصادی، فروپاشی اقتصادهای محلی، رقابت‌های سیاسی، اختلافات ارضی و نقش فناوری‌های ارتباطی جدید است. تا وقتی که شکاف اقتصادی میان شمال آفریقا و جنوب اروپا ادامه داشته باشد و سبتة همچنان به‌عنوان یک منطقه اروپایی در خاک آفریقا باقی بماند این شهر یکی از مهم‌ترین نقاط تجمع فشارهای مهاجرتی در مرز جنوبی اتحادیه اروپا خواهد بود. سبتة نه‌تنها یک مرز جغرافیایی بلکه نقطه‌ای است که در آن بحران‌های انسانی، منافع سیاسی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی به هم می‌رسند.



مقابل، رودریگز در مقام ریاست‌جمهوری باقی می‌ماند و از مزایای ورود سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی و احیای اقتصاد بهره‌مند می‌شود. از نگاه دولت ترامپ، این یک معامله روشن بود؛ ثبات سیاسی در برابر نظارت اقتصادی، دسترسی به منابع انرژی و تغییر جهت راهبردی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر منابع طبیعی. چند هفته بعد رودریگز تماسی غیرمنتظره از رویو دریافت کرد. رویو گفت: «می‌خواهم شما را به کسی وصل کنم که می‌خواهد سلام کند». آن شخص دونالد ترامپ بود. به گفته رودریگز، ترامپ از همکاری او پس از بازداشت مادورو ابراز رضایت کرد و به‌عنوان نشانه حسن‌نیت، اعلام کرد که آمریکا پروازهای تجاری به ونزوئلا را از سر خواهد گرفت.

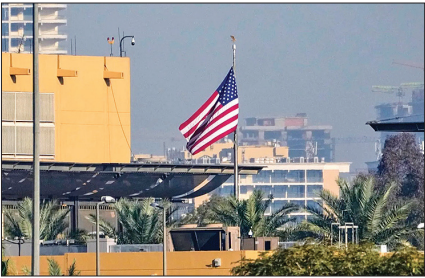
در نهایت رودریگز در این مصاحبه یک ساعته تأکید می‌کند که قصد واگذاری حاکمیت ملی ونزوئلا را ندارد بلکه می‌خواهد، اقتصاد کشور را به سود مردم باز کند.

خاورمیانه

هشدار آمریکا به شهروندانش

از خاورمیانه خارج شوید

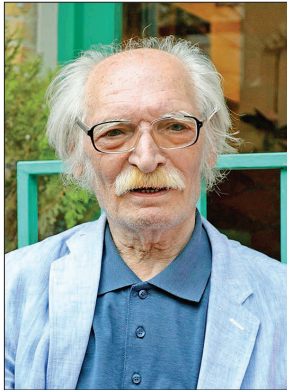
سفارتخانه‌های ایالات متحده در چندین پایتخت خاورمیانه به شهروندان آمریکایی نسبت به احتمال «تشدید غیرمنتظره» درگیری‌ها در منطقه هشدار دادند و از آنها خواستند برای ترک منطقه، آمادگی لازم را داشته باشند. به گزارش یورونیوز در یک هشدار امنیتی که نسخه‌هایی از آن توسط نمایندگی‌های دیپلماتیک آمریکا در امان، بیت‌المقدس و بغداد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، آمده است: «اتباع آمریکایی حاضر در منطقه باید خروج احتمالی از منطقه را مدنظر قرار دهند و در صورت تشدید تنش‌ها، آماده خروج باشند». در این پیام‌ها همچنین از شهروندان خواسته شده تا اطلاعات پروازها را برای تدارک خروج احتمالی از منطقه بررسی کرده و توصیه‌های ایمنی مقامات محلی را رعایت کنند. سفارتخانه‌های ایالات متحده در ادامه این پیام هشدارآمیز تصریح کرده‌اند: «آمریکایی‌هایی که در حال حاضر در خاورمیانه به سر می‌برند باید با احتیاط و هوشیاری مضاعف عمل کنند و برای لغو پروازها، انسداد مقطعی حرم هوایی و اختلالات احتمالی در سفرهای خود آمادگی داشته باشند». به شهروندان آمریکایی مستقر در اردن توصیه شده که از نزدیک شدن به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در این کشور که اخیراً هدف حملات موشکی مکرر ایران قرار گرفته‌اند، خودداری کنند. همچنین از شهروندان حاضر در اسرائیل خواسته شده تا موقعیت نزدیک‌ترین پناهگاه‌ها را شناسایی کنند. در پیامی که در وب‌سایت سفارت آمریکا در بیت‌المقدس منتشر شده این هشدار به‌ششم می‌خورد: «رؤیم ایران غیرقابل پیش‌بینی است؛ همان‌طور که از حملات اخیر این کشور به مناطقی در خاورمیانه بدون هشدار قبلی و یا دست زدن به اقدامات تحریک‌آمیز همچنین گسترش حملات به مناطقی (مانند مصر) که پیش‌تر هدف قرار نگرفته بودند کاملاً مشهود است». در ادامه این پیام‌های هشدارآمیز که سفارت آمریکا در قاهره نیز آن را منتشر کرده، آمده است: «به دلیل افزایش تنش‌ها در خاورمیانه، فضای امنیتی همچنان پیچیده و با احتمال تشدید غیرمنتظره درگیری‌ها همراه است». در همین حال نیروهای مسلح کشور، واشنگتن را به «تشدید تنش‌ها» در منطقه متهم کرده و هشدار داده‌اند: «هر کشوری که به‌عنوان سپر دفاعی برای آمریکا عمل کند، در شعله‌های آتش جنگ گرفتار خواهد شد».



ادبیات ایران

آینه‌گردان روزگار

یادداشت **بلقیس سلیمانی**
برای ۸۶ سالگی **محمود دولت‌آبادی**



محمود دولت‌آبادی متولد ۱۰ مرداد سال ۱۳۱۹ است و امسال ۸۶ سالگی را پشت سر گذاشت؛ نویسنده‌ای که با رمان‌هایی چون «کلیدر» و «جای خالی سلوچ» شهره شده و آثار ماندگاری را خلق کرده است. به مناسبت زادروز این نویسنده پیشکسوت، بلقیس سلیمانی، دیگر نویسنده ادبیات معاصر ایران، در یادداشتی برای ایسنا دربارهٔ محمود دولت‌آبادی آورده است:

همه جا گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم: احمد محمود و محمود دولت‌آبادی دو اجتماعی‌نگار ایرانی هستند که درخت گلشن ادبیات رئالیستی این دیار را قوت و قدرت بخشیدند و فره کردند. هر دو آینه‌گردان روزگار خودشان به شیوه و سبکی بودند که به نوعی سفارش اجتماعی روزگار و گفتمان مسلط دوران بود. یکی وقایع تاریخی و اجتماعی درشت دوران را کانون روایت خود کرد و از رهگذر آن‌ها آدم‌های ماندگار و ایده‌های بزرگ خلق کرد و دیگری ماجراهای خرد و آدم‌های اقلیم‌های دور را که بر گرد مرکز می‌چرخند ولی راهی به آن نمی‌جویند، دست‌مایه کار خود کرد و به آدم‌های زنده روزگارمان افزود. اولی احمد محمود بود که وقایع اثرگذار تاریخ معاصر را مثل؛ ملی شدن صنعت نفت، زمانه بعد از کودتای بیست و هشت مرداد، انقلاب پنجاه و هفت، جنگ هشت‌ساله و تجربه حکومت دینی را داستانی کرد و ماندگار و دومی محمود دولت‌آبادی بود که خرده طغیان‌های ایران معاصر را به حیث فردی و اجتماعی به مرکز روایت‌های داستانی خود آورد و به این وسیله کاراکترهایی آشنا و جاندار خلق کرد. مگر ما خوانندگان ادبیات داستانی؛ خالد، بلور خانم، ننه باران یا مرگان، بلقیس و مارال را از آدم‌های اطراف‌مان بهتر و بیشتر نمی‌شناسیم؟ دولت‌آبادی قبل از «سلوک» نویسنده‌ای است که مردم، همین مردم معمولی خود را در آینهٔ آتاراش می‌یابند و بر بد و خوب خود و روزگار خود آگاه می‌شوند و چه نعمتی بالاتر از این برای نویسنده؟

دولت‌آبادی بعد از «سلوک» هم مثل بسیاری از نویسندگان، نویسنده‌ای است که آینه را برمی‌گرداند و ما؛ نویسندگان، روشن‌فکران، شکست‌خوردگان، آونگ‌شدگان بین شهر و روستا و سنت و مدرنیته خود را در آتار او علی‌رغم زبان‌زدگی و تکنیک‌زدگی این آتار در آن‌ها می‌یابیم و باز چه نعمتی بالاتر از این برای نویسنده؟

برای من دولت‌آبادی اول «محرک اول» بود برای نوشتن از قوم و قبیله‌ام، وقتی «کلیدر» را خواندم. ما هم در طایفهٔ پدیری‌مان یک گل‌محمدی داشتیم که از باغی‌گری رسید به امان‌خواهی از حکومت. با این همه در روح و جان ما جوانان و نوجوانان دههٔ پنجاه نمادی بود از عصیان و سرکشی. من بعد از خواندن «کلیدر» بود که ناگهان دریافتم می‌توانم و باید قصهٔ گل‌محمد طایفه را بنویسم. اگر چه هرگز آن قصه به چاپ نرسید ولی مرا نویسنده کرد. به همین علت همیشه و همواره خودم را مدیون دولت‌آبادی بزرگ می‌دانم یا این‌که بیشتر از او از احمد محمود بزرگ تأثیر پذیرفتم.

از سویی به‌عنوان یک زن نویسنده که از زنان می‌نویسد، می‌دانم و اقرار می‌کنم که جمعی از شاخص‌ترین کاراکترهای زن ادبیات داستانی ما را دولت‌آبادی خلق کرده است. زنایی که پیش از این در ادبیات ما صدایی نداشتند و به شمار نمی‌آمدند. مرگان، بلقیس، مارال، شیرو، زیور و... از آن جمله‌اند. از میان همهٔ آنان برای من بلقیس کلمبیشی و زیور از لونی دیگر هستند. با آنان گریستم‌ام، حسادت کرده‌ام، نان پخته‌ام، گوسفند دوشیده‌ام، بز میری دیده‌ام و گردش روزگار را که آئین او جوان‌کشی و عشق‌میری است.

می‌دانم که زمانهٔ آن زنان سپری شده است؛ دیگر نه جامعه و نه ادبیات، چنان زنایی خلق و تولید نمی‌کنند که اصولاً دیگر به کار نمی‌آیند این زنان و اگر باشند بی‌هنگام هستند و بی‌دوران. با این‌همه خوشحالم در حافظهٔ جمعی و خاطرهٔ مشترک‌مان آنان حضور دارند و زنده‌اند و از این بابت تا همیشه از دولت‌آبادی ممنون و سپاس‌گزارم.

ما هنوز و برای همیشه می‌توانیم از دولت‌آبادی درس بگیریم. او به ما آموخت و می‌آموزد که پشت به مردم و زمانه نکنیم که نوشتهٔ ما اگر از این‌ها خالی باشد، از زندگی و پیچ و خم آن خالی است. او به ما آموخت و می‌آموزد که رنج آدمی شهری و روستایی، حاشیه‌نشین و مرکز‌نشین، زن و مرد و... نمی‌شناسد. رمان هم فقط رمان شهری نیست چرا که آدمی فقط انسان شهری نیست. او به ما آموخت و می‌آموزد که مقهور فضا‌های ساختگی نشویم و از آنچه می‌شناسیم و به آن باور داریم، بنویسیم. او به ما آموخت و می‌آموزد... ما می‌توانیم از او فراوان بیاموزیم اگر ادبیات را اصل بگیریم و رها کنیم هیاهوی حاشیه‌سازان قال و قیل‌پرست را.

مرگ تدریجی خنده

چگونه بازار، سینمای کمدی ایران را گروگان گرفت



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

سینمای کمدی ایران در دهه‌های اخیر، دستخوش تحولی بنیادی شده است. آنچه روزی ابزار برای نقد ساختاری جامعه، نقد قدرت و بازتاب مشکلات اجتماعی بود، تدریجاً به محصولی تجاری تبدیل شده که هدف اصلی آن، رفع نیاز فوری مخاطب و سودآوری سرمایه‌گذاران است. این تحول نتیجه نیروهای اقتصادی پیچیده‌ای است که در اواخر دهه هشتاد آشکار شدند. کاهش رفته‌رفته مخاطبان سینماهای اجتماعی، افزایش هزینه‌های تولید و فشار سرمایه‌گذاران برای بازگشت سریع سرمایه، باعث شدند که کمدی بیش از هر ژانر دیگری، به کالای تجاری صرف تبدیل شود.

برای درک این افول، باید به تاریخچه عمیق کمدی ایران بازگشت. کمدی در ایران، هرگز صرفاً ژانری برای خندانان نبوده است. تاریخ چندین صدساله آن، نشان می‌دهد که طنز و شوخی همواره زبان اعتراض، نقد قدرت و بازتاب مشکلات اجتماعی بوده‌اند. در نمایش‌های سنتی روحوضی و سیاه‌بازی، شخصیت‌ها از بداهه‌پردازی و طنز کلامی بهره می‌برداشتند تا نابرابری‌های اجتماعی، فساد و مناسبات قدرت را به سخره بگیرند. شخصیت

«سیاه» در این نمایش‌ها، برخلاف تصور رایج، تنها دلقک مجلس نبود؛ او نماینده‌ای از صدای مردم عادی بود و حقایقی را بیان می‌کرد که دیگران جرأت گفتنش را نداشتند. این ریشه‌های فرهنگی، کمدی ایران را از سایر ملل متمایز ساختند.

با ورود سینما به ایران، کمدی، گرفتار الهام از آثار کمدین‌هایی مانند چارلی چاپلین و باستر کیتون شد، اما هویت اساسی خود را حفظ کرد. در دهه‌های چهل و پنجاه، اگرچه فیلم‌های فارسی بخش بزرگی از بازار را تسخیر کردند و کمدی را به سمت رقص و آواز سوق دادند، اما تعدادی فیلم‌ساز تأثیرگذار، همچنان از طنز برای نقد سنت‌ها، مناسبات خانوادگی و تبعیض‌های اجتماعی بهره گرفتند. این دوران، دو جریان متمایز را رقم زد: کمدی تأمل‌برانگیز و کمدی تجاری.

پس از انقلاب، محدودیت‌های فرهنگی و سانسور سخت، تولید کمدی را دشوار ساختند. طنز مستقیم دیگر ممکن نبود. اما این محدودیت‌ها، باعث شدند فیلم‌سازان از ابزارهای هنری پیچیده‌تری بهره بگیرند. کنایه، نماد و استعاره، جای طنز مستقیم را گرفتند و همین مسئله، باعث شد برخی از مهم‌ترین آثار کمدی اجتماعی سینمای ایران شکل بگیرند. فیلم‌هایی مانند «ای ایران»، «اجاره‌نشین‌ها»، «لیلی با من است»، «دایره زنگی» و «مارمولک» نشان دادند که می‌توان



سعید آقاخانی؛ زندگی مردم عادی

سال تولد: ۱۳۵۰

جایگاه: یکی از موفق‌ترین کارگردانان و بازیگران کمدی تلویزیون طی سال‌های اخیر.



سبک: کمدی اجتماعی با تمرکز بر زندگی

طبقات متوسط و فرودست.

انتقادها: افت کیفی آثار مؤخر و تکرار موقعیت‌های آشنا.

وضعیت: فعال در تلویزیون با سریال «اسباب زحمت».

موفق‌ترین کارها: نون‌خ، زن‌بابا، چار دیواری، رحمان ۱۴۰۰.

رامبد جوان؛ فعلاً رئالیستی شو

سال تولد: ۱۳۵۰

جایگاه: یکی از قدیمی‌ترین و مستمرترین چهره‌های سرگرمی و کمدی تلویزیون.

سبک: کمدی پرانرژی، بداهه و سرگرمی‌محور.



انتقادها: افت کیفیت در کارگردانی آثار متأخر سینمایی و وابستگی بیش از حد به فرمت‌های اجرایی.

وضعیت: پس از پایان رئالیستی‌شو کارناوال، گفته می‌شود با یک برنامه در همین سبک بازمی‌گردد.

موفق‌ترین کارها: خندوانه، ورود آقایان ممنوع و خانه سبز.

سروش صحت؛ برای اهل آرامش

سال تولد: ۱۳۴۴؛

جایگاه: نماینده حال حاضر کمدی تفکربرانگیز در سینما و نمایش خانگی.

سبک: طنز آرام، شخصیت‌محور و مبتنی بر روابط انسانی.



انتقادها: کند بودن ریتم آثار و گیرافتادن در دایره تکراریک مدل کمدی.

وضعیت: بعد از موفقیت کتاب‌باز، او «اکتون» را با همین حال و هوا ساخت و اکنون فیلمش «استخر» فیلم پرفروش سینماهاست.

موفق‌ترین کارها: ساختمان پزشکان، لیسانسه‌ها، پژمان، نان و عشق و موتور ۱۰۰۰.

۶ کمدی‌ساز مهم سینما

مهران مدیری؛ امپراتور در غروب

سال تولد: ۱۳۴۶

جایگاه: تأثیرگذارترین کمدی‌ساز تلویزیون ایران در سه دهه اخیر

سبک: کمدی‌های آئیمی و سریال‌های نودشی دهه ۸۰. طنز اجتماعی و نقد مناسبات قدرت و طبقه متوسط.

انتقادها: تجمل‌گرایی بیش از حد در ساختار آثار جدید و فاصله گرفتن از



دغدغه‌های واقعی جامعه.

وضعیت: مدتی از ساختارهای سریال تلویزیونی فاصله گرفت اما قرار است با «مرد سه هزارچهره» بازگردد.

موفق‌ترین کارها: ساعت خوش، پاورچین، شب‌های برره، مرد هزار چهره و قهوه تلخ.

رضا عطاران؛ دور از خانه

سال تولد: ۱۳۴۷

جایگاه: موفق‌ترین بازیگر و کمدین سینمای ایران در دو دهه اخیر.

سبک: کمدی موقعیت، طنز تلخ، شخصیت‌های معمولی و نزدیک به زندگی مردم.

انتقادها: تکرار برخی تیپ‌های شخصیتی در سینما و انکای بیش از حد سینمای تجاری به حضور او.



وضعیت: همچنان یکی از پرفروش‌ترین ستاره‌های سینمای ایران و از معدود بازیگرانی که حضورش تضمین‌کننده استقبال مخاطب است.

موفق‌ترین کارها: خانه‌بدوش، متهم گریخت، ترش و شیرین، خوابم می‌آد، هزارپا.

حمید جلیلی و ایرج طهماسب؛ رفقای کودکی

سال تولد: حمید جلیلی: ۱۳۳۷ و ایرج طهماسب: ۱۳۳۸

جایگاه: خالقان مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین آثار کودک و نوجوان و کارهای غروسکی در سینما و تلویزیون.

سبک: طنز واقع‌گرایانه، نوستالژی و نگاه اخلاقی به روابط اجتماعی.

انتقادها: وابستگی بیش از حد به فضای نوستالژیک و عدم استفاده از



امکانات تولیدی به‌روز.

وضعیت: هر دو مدتی است که از فضای تولید فاصله گرفته‌اند، هرچند هنوز آثار قبلی‌شان توسط مخاطبان دیده می‌شود.

موفق‌ترین کارها: کلاه قرمزی، مهمانی، دختر شیرینی‌فروش، زیر درخت هلو.

گزارش کتاب

تاریخ صنعت

آقای مهندس، روایت محمدرضا نعمت‌زاده از فراز و نشیب‌های ایران معاصر است

در میان انبوه خاطرات و تاریخ‌های شفاهی، کتاب تازه «آقای مهندس؛ زندگی و زمانه محمدرضا نعمت‌زاده» که به کوشش مجتبی حسینی، روزنامه‌نگار و پژوهش‌گر و توسط انتشارات همسایه منتشر شده، نه تنها روایت زندگی یکی از تأثیرگذارترین مدیران صنعتی ایران است، بلکه سندی است برای درک فراز و نشیب‌های تاریخ معاصر کشور از منظری که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. «آقای مهندس» حاصل بیش از ۱۰۰ ساعت گفت‌وگوی بی‌پرده با نعمت‌زاده است. محمدرضا نعمت‌زاده، تیر ۱۳۲۴ در تبریز در رشتهٔ مهندسی محیط‌زیست از دانشگاه پلی‌تکنیک کالیفرنیا به پایان رساند و سپس در رشتهٔ مهندسی محیط‌زیست از دانشگاه پلی‌تکنیک کالیفرنیا به پایان رساند و پس از بازگشت به ایران، مسیر پرفرازونشیبی را در مدیریت صنعتی کشور طی کرد. او پس از بازگشت به ایران، در کارخانهٔ خانوادگی مشغول به کار شد، اما با اوج‌گیری انقلاب، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد.کتاب از حضور او در اعتصابات نفت در دی ۱۳۵۷ روایت می‌کند؛ جایی که به همراه هیأت‌اعزای حضرت امام (مهندس بازرگان، آیت‌الله هاشمی و حجت‌الاسلام ناطق‌نوری، شهید قندی و مهندس کتیرایی) به جنوب کشور می‌رود تا سوخت مورد نیاز مردم را تأمین کند و هم‌زمان از صادرات نفت جلوگیری نماید. این حضور، سرآغاز ورود او به عرصه‌های کلیدی مدیریتی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد. نعمت‌زاده در آبان ۱۳۵۸ به‌عنوان وزیر کار و امور اجتماعی منصوب شد. او در این کتاب روایت می‌کند که مهم‌ترین دستاوردش در این دوره، بازگشایی کارخانجات تعطیل‌شده و حل بحران بیکاری پس از انقلاب بود. او هم‌چنین با تشکیل تیم‌های سفنره (شامل یک کارشناس وزارت کار، یک نیروی مردمی و یک روحانی)، موفق شد اعتصابات را سامان دهد و واحدهای تولیدی را به چرخه کار بازگرداند. با شروع جنگ تحمیلی، نعمت‌زاده به صنایع دفاع رفت و مسئولیت تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و کلیدی را برعهده گرفت که پیمانکاران خارجی آن‌ها را رها کرده بودند. او پروژه‌های پارچین، تانک‌سازی، تولید گلوله‌های ضدهوایی و هلیکوپترسازی را به سرانجام رساند و سپس صنایع هواپیماسازی را پایه‌گذاری کرد. در دوران جنگ، او هم‌چنین دو بار به‌عنوان مدیرعامل شرکت توافیر منصوب شد تا بحران خاموشی‌های ناشی از بمباران نیروگاه‌ها را مدیریت کند. در دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی، محمدرضا نعمت‌زاده به‌عنوان وزیر صنایع، نقشی محوری در بازسازی کشور ایفا کرد. او با برنامه‌ریزی برای احداث ده‌ها کارخانهٔ سیمان، صنعت ساختمان را متحول کرد و با



رانندازی صنایع پتیر، کاشی، سرامیک و شیشه و صنایع بسته‌بندی وابستگی کشور به واردات را به شدت کاهش داد. در این دوره، او هم‌چنین بر ادغام وزارت صنایع و صنایع سنگین نظارت داشت و فرآیند خصوصی‌سازی در دوری او آغاز شد.

پدر پتروشیمی ایران

شاید مهم‌ترین فصل کتاب «آقای مهندس»، روایت زندگی حرفه‌ای نعمت‌زاده در دوران ۸ سالهٔ مدیریت او بر شرکت ملی صنایع پتروشیمی در دولت خاتمی باشد. او در این دوره، سهم ایران را از ۳ دهم درصد به حدود ۳ درصد از تولید جهانی پتروشیمی ارتقا داد. تأسیس منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی بندر امام، توسعه عسلویه، و احداث خط لولهٔ عظیم اتیلن غرب به طول نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر، از جمله دستاوردهای این دوره است. نعمت‌زاده در این کتاب با صراحت از

مواعنی که بر سر راه توسعه پتروشیمی وجود داشته سخن می‌گوید؛ از جمله مخالفت اولیهٔ شرکت نفت با تفکیک گاز اتان از گاز طبیعی، و نیز مشکلات ناشی از تحریم‌ها که مانع از تکمیل برخی پروژه‌ها شد. او هم‌چنین از تجربهٔ جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گوید؛ از جمله مشارکت با شرکت ساسول آفریقای جنوبی در پتروشیمی آریاساسول، و مذاکره با بی‌بی، شل و میتسوبی و دیگر شرکت‌های بزرگ حوزه پتروشیمی در جهان. نعمت‌زاده در دولت احمدی‌نژاد، به عنوان مدیرعامل شرکت پالایش و پخش، طرحی و اجرای پروژهٔ کارت هوشمند سوخت را بر عهده گرفت. او در کتاب شرح می‌دهد که چگونه این پروژه ملی با وجود مخالفت‌های دستگاه‌های نظارتی و نیروی انتظامی، در کمتر از ۱۴ ماه به اجرا درآمد و توانست مصرف بنزین را از ۷۰ میلیون لیتر در روز به ۶۰میلیون لیتر کاهش دهد. محمدرضا نعمت‌زاده سسال ۱۳۹۱ مسئولیت ستاد انتخاباتی حسن روحانی را به عهده گرفت. او در این کتاب نکات جذابی و شنیدنی از روزهای پراشتاب انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ روایت می‌کند. پس از آن به روایت آخرین مسئولیت دولتی‌اش در وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت یازدهم به ریاست حسن روحانی می‌پردازد. او در این دوره با تمرکز بر «رفع موانع تولید»، ۳۵ مانع اصلی را شناسایی و به مجلس ارائه کرد. هم‌چنین با امضای برجام، زمینه را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی مانند پژو و سیتروئن فراهم آورد. پس از خداحافظی از دولت، نعمت‌زاده به فعالیت‌های مشاوره‌ای در حوزهٔ صنعت ادامه داده است.

کتاب، روایت‌گر ۴۶ سال تلاش بی‌وقفه در سطوح مختلف مدیریتی کشور است. نعمت‌زاده در این مسیر، مسئولیت‌هایی چون وزارت کار، وزارت صنایع در دولت شهید رجایی، وزارت صنایع در دو دولت هاشمی‌رفسنجانی، معاونت وزیر نفت و مدیرعاملی صنایع پتروشیمی در دولت سیدمحمد خاتمی، مدیرعاملی پالایش و پخش در دولت محمود احمدی‌نژاد، و نهایتاً وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت حسن روحانی را بر عهده داشته است.

مرگ، پایان بازیگر نیست

اکبر عبدی از پیش ما رفت، از پرده نرفت



آنان را قضاوت نمی‌کرد؛ می‌فهمید و شاید نه. حتماً راز بزرگ بازیگری نیز همین بود؛ فهمیدن پیش از بازی کردن او . اکنون از درگذشت او سخن می‌گویم، اما مگر هنرمندی که تصویرش، هر روز در خانه‌های مردم رفت‌وآمد می‌کند، حقیقتاً غایب است؟! در عصر تصویر، حیات هنرمند، تنها با تیش قلب سنجیده نمی‌شود. هر بار که فیلمی از او دوباره دیده می‌شود، هر بار که دیالوگی از او، لبخندی بر لب می‌آورد یا اشکی در چشم می‌نشانند، او بار دیگر به زندگی باز می‌گردد. شاید برای همین است که نمی‌توان با «اکبر عبدی» خداحافظی کرد. خداحافظی سهم کسانی است که دیگر نشانی از آنان باقی نمانده باشد. اما او هنوز در صدها قاب، هزاران پلان و خاطره، نفس می‌ششد. مدارک تصویری، دال بر حیات اویند، نه ممانش .سنگ مزار، تنها نشانی جای خواب جسم اوست. اکبر عبدی را نه‌تنها در قطعه اختصاصی به هنرمندان باید جست‌وجو کرد که در حافظه میلیون‌ها تماشاگر باید جست؛ آنجا که هنوز صدایش شنیده می‌شود، نگاهی‌ش لبخند می‌آفریند و نقش‌هایش، بی‌اعتنا به تقویم، به زندگی ادامه می‌دهند. بعضی بازیگران از صحنه خارج می‌شوند؛ بعضی دیگر، خود صحنه می‌شوند. او از همان انس‌دک افرادی بود که مرگ، تنها تاریخ خاموشی قلبش را ثبت کرده، نه پایان حضورش را. عبدی کاراکترهایش را به سخره نمی‌گرفت؛ آنها را زندگی می‌کرد. همین صداقت، حتی اغراق‌آمیزترین بازی‌هایش را نیز باورپذیر می‌ساخت و سبب می‌شد تماشاگر، به‌جای خندیدن به شخصیت، با او بخندد. و به همین دلیل کارنامه بازیگری‌اش، از آثار سطحی انباشته نشد. او به‌خوبی می‌دانست خنداندن، آسان‌ترین کار سینما نیست؛ دشوارترین آن است. خنده‌ای که از ته دل برنیاید، عمرش به پایان یک اکران می‌رسد.



عدنان شاه‌طلایی

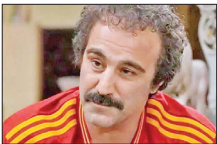
منتقد

برای بسیاری از انسان‌ها، فعل مرگ، دقیق نیست. آنان از جهان زیستی کوچ می‌کنند، اما از جهان خاطره بیرون نمی‌روند و در جغرافیای حافظه همچنان جاری می‌مانند. «اکبر عبدی» نیز از همین تبار بود؛ هنرمندی که سال‌ها پیش از آنکه به تاریخ سینمای ایران تعلق بگیرد، به حافظه مردم پیوسته بود. اکبر عبدی از زمره بازیگرانی نبود که فقط محبوب باشند؛ او بسیار مسلط و توانا بود. فاصله میان نقش‌های ساده یا سخت، کم‌دی یا درام برای او مرزی بود. همان اندازه که می‌توانست از دل یک موقعیت ساده، خنده‌ای اصیل بیافریند، قادر بود زخمی ماندگار هم بر جان تماشاچی بنشانند. کمتر بازیگری در سینمای ایران، چنین جسارتی داشت که این‌چنین بی‌هراس، از یک جهان، به جهانی دیگر قدم بگذارد و در هر دو، صاحب اعتبار بماند. بازیگری برای او، تغییر چهره نبود، تغییر جان بود. شخصیت‌هایش را بازی نمی‌کرد، در آنها حلول می‌کرد. شاید به همین دلیل است که بسیاری از نقش‌هایش، حتی امروز نیز مستقل از فیلم‌ها زندگی می‌کنند. آنان از پرده سینما عبور کرده و به بخشی از فرهنگ عامه بدل شده‌اند. بعضی نقش‌های سینمایی، با پایان تیتراژ به پایان می‌رسند، اما بعضی دیگر در حافظه مخاطب، به زندگی ادامه می‌دهند. راز ماندگاری، دوام و حضور این بازیگر را نباید تنها در استعداد کم‌نظیرش جست‌وجو کرد. او به شخصیت‌هایش احترام می‌گذاشت؛ حتی به ساده‌ترین، شکست‌خوردترین و گمنام‌ترین آنان. هیچگاه از موضع برتری به آدم‌های نقش‌هایش نگاه نکرد.



۶ ستاره‌سینمای کم‌دی

محسن تانابنده؛ از دل واقعیت



سال تولد: ۱۳۵۴

جایگاه: یکی از موفق‌ترین نویسندگان و بازیگران کم‌دی اجتماعی ایران. سبک: رئالیسم، شخصیت‌پردازی واقع‌گرایانه و تلفیق طنز با نقد اجتماعی. انتقادات‌ها: تمرکز بیش از حد بر برند «پایتخت» و نگاه تجاری در خلق این سریال محبوب.

وضعیت: فعلاً در حال بازی در آثار جدی مانند سریال وحشی است، هرچند هوادارانش در انتظار پایتخت ۸ هستند.

موفق‌ترین کارها: پایتخت، سن‌پترزبورگ، زودیز.

پرویز پرستویی؛ علیه فراموشی



سال تولد: ۱۳۳۴

جایگاه: از مهم‌ترین بازیگران سینمای ایران، با سابقه‌ای درخشان در کم‌دی. سبک: ترکیب طنز، رئالیسم و بازی‌های شخصیت‌محور. انتقادات‌ها: با وجود استعداد و توان بالا، سال‌هاست حضورش در آثار کم‌دی بسیار محدود شده است.

وضعیت: این‌روزها بیشتر نامش در دگریری‌های فضای مجازی دیده می‌شود و البته بیشتر فعالیتش در آثار جدی است.

موفق‌ترین کارها: لیلی با من است، آدم‌رفی، مارمولک، آشپزباشی.

علیرضا خمسه؛ دوران معصومیت



سال تولد: ۱۳۳۱

جایگاه: یکی از محبوب‌ترین کم‌دین‌های چهار دهه اخیر و به‌خصوص دهه‌های ۶۰ و ۷۰. سبک: پاتویم، کم‌دی بدنی، بازی‌های اغراق‌آمیز و شخصیت‌های ساده‌دل. انتقادات‌ها: کاهش حضور در آثار شاخص و کم‌رنگ شدن نقش‌های ماندگار.

وضعیت: اکنون فیلم کم‌دی استسخر با بازی او روی پرده است. حضورش در سال‌های اخیر محدودتر شده اما همچنان از چهره‌های محبوب مخاطبان است.

موفق‌ترین کارها: پایتخت، آپارتمان شماره ۱۳، من زمین را دوست دارم، جیب‌برها به بهشت نمی‌روند.

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

دشمنی با بازار

چرا روشنفکران به اقتصاد آزاد بدبین هستند؟

فریده اسکندری
گروه اقتصاد
 اگر از اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد پیرسید، بزرگ‌ترین مانع گسترش اقتصاد رقابتی چیست، بسیاری از آنها به جای آنکه از سیاستمداران یا بروکرات‌ها نام ببرند، انگشت اتهام را به سوی روشنفکران می‌گیرند. از نگاه آنان پیش از آنکه قوانین، مقررات و نهادهای دولتی شکل بگیرند این ایده‌ها هستند که مسیر سیاست‌گذاری را تعیین می‌کنند و روشنفکران، مهم‌ترین تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان این ایده‌ها هستند. به همین دلیل فردیش هایک، توماس سوول و دون لاووی، بخش مهمی از آثار خود را نه به نقد دولت بلکه به بررسی نقش روشنفکران در شکل‌گیری نگرش‌های ضدبازار اختصاص داده‌اند. پرسش اصلی آنها ساده است: چرا درحالی که اقتصاد بازاری طی دو قرن گذشته یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش رفاه، کاهش فقر و رشد اقتصادی بوده، بخش قابل‌توجهی از روشنفکران همچنان با آن میانه‌ای ندارند؟ فردیش هایک در مقاله مشهور «روشنفکران و سوسیالیسم» استدلال می‌کند که روشنفکران لزوماً تولیدکننده دانش تخصصی نیستند بلکه واسطه انتقال ایده‌ها به افکار عمومی‌اند. آنان کتاب می‌نویسند، روزنامه منتشر می‌کنند، در دانشگاه تدریس می‌کنند و روایت مسلط از مسائل اجتماعی را شکل می‌دهند. از نگاه هایک بسیاری از روشنفکران به ایده‌های گرایش پیدا می‌کنند که تصویری منظم، اخلاقی و آرمان‌گرایانه از جامعه ارائه می‌دهد و به همین دلیل طرح‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی یا گسترش نقش دولت برای آنان جذاب‌تر از سازوکار پیچیده و غیرمتمرکز بازار به‌نظر می‌رسد. بازار آزاد، برخلاف دولت، فرمانده یا معیار واحدی ندارد. میلیون‌ها نفر هر روز براساس اطلاعات، ترجیحات و منافع خود تصمیم می‌گیرند و حاصل این تصمیم‌ها ی‌راکنده، قیمت‌ها، تولید و سرمایه‌گذاری را شکل می‌دهد. هایک این نظم را «نظم خودجوش» می‌نامید که نه محصول طراحی یک ذهن برتر بلکه نتیجه تعامل آزاد افراد است. اما همین ویژگی از نگاه بسیاری از روشنفکران، نقطه ضعف بازار است. آنان ترجیح می‌دهند، جامعه‌را حاصل طراحی آگاهانه بلدانند نه پیامد کنش‌های پراکنده میلیون‌ها انسان. توماس سوول از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کند. او معتقد است، بسیاری از روشنفکران بیش از آنکه با محدودیت‌های دنیای واقعی سروکار داشته باشند با دنیای ایده‌ها زندگی می‌کنند. کارآفرین اگر تصمیم اشتباهی بگیرد، سرمایه خود را از دست می‌دهد؛ پرتشک اگر شخص نادروستی بدهد، اعتبار حرفه‌ای‌اش آسیب می‌بیند؛ اما روشنفکر معمولاً هزینه مستقیمی بابت پیامدهای عملی ایده‌هایش پرداخت نمی‌کند. از همین‌رو به باور سول، فاصله میان تولید ایده و تحمل پیامدهای آن، زمینه را برای ماندگاری برخی نظر‌ی‌های ناکارآمد فراهم می‌کند. دون لاووی نیز همین‌بحث را ادامه می‌دهد اما بر نقش بازار ایده‌ها تأکید می‌کند، او معتقد است همان‌گونه که رقابت در بازار کالاها باعث حذف محصولات نامرغوب می‌شود، در بازار اندیشه نیز باید امکان رقابت آزاد میان دیدگاه‌های مختلف وجود داشته باشد. اگر دانشگاه، رسانه یا نظام آموزشی تنها یک روایت را بازتولید کند، ایده‌ها دیگر در معرض آزمون و رقابت قرار نمی‌گیرند و حتی نظری‌های ضعیف نیز می‌توانند، سال‌ها بر فضای فکری مسلط بمانند. البته بدبینی روشنفکران به اقتصاد آزاد تنها به دلایل نظری محدود نمی‌شود. سرمایه‌داری در طول تاریخ با بحران‌های مالی، نابرابری، انحسار و سوءاستفاده‌های اقتصادی نیز همراه بوده است. از همین‌رو بسیاری از روشنفکران، بازار را نه به دلیل مخالفت با آزادی بلکه به دلیل نگرانی از پیامدهای اجتماعی آن نقد کرده‌اند. از کارل مارکس گرفته تا جان رالز، جوزف استیگلیتز و توماس پیکی هر یک از زاویه‌ای متفاوت به نقد سرمایه‌داری پرداخته‌اند. بنابراین مخالفت با اقتصاد آزاد یک جریان فکری یکجاست نیست و دلایل گوناگونی دارد. با این حال اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد پاسخ می‌دهند که بسیاری از این مشکلات، نه نتیجه بازار رقابتی بلکه حاصل انحسار، رانت، امتیازهای دولتی و محدود شدن رقابت است. از نگاه آنان نباید ناکارآمدی سرمایه‌داری رفاقتی یا اقتصادهای انحصاری را به حساب اقتصاد آزاد نوشت. به همین دلیل آنها میان «اقتصاد بازار» و «اقتصاد مبتنی بر رانت» تفاوت اساسی قائل می‌شوند. این‌بحث در ایران اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از دهه‌های پیش از انقلاب، بخش مهمی از ادبیات روشنفکری ایران با سوءظن به سرمایه‌داری، بازار و غرب شکل گرفت. عدالت اجتماعی، مبارزه با سرمایه‌داری، نقد مالکیت خصوصی و گسترش نقش دولت در آثار بسیاری از جریان‌های فکری آن دوره دیده می‌شود. پس از انقلاب نیز این نگرش، هرچند با روایت‌های متفاوت، در بخش‌هایی از سیاست‌گذاری اقتصادی ادامه یافت. در مقابل، اقتصاددانان مدافع بازار آزاد معتقدند بسیاری از مشکلات مزمن اقتصاد ایران از تورم و ناکارآمدی بنگاه‌های دولتی گرفته تا قیمت‌گذاری دستوری و گسترش رانت، ریشه در همین بی‌اعتمادی تاریخی به سازوکار بازار دارد. تاریخ نشان داده است که نه بازار بدون نهادهای کارآمد و رقابت سالم به نتایج مطلوب می‌رسد و نه دولت بدون توجه به سازوکارهای بازار می‌تواند، رفاه پایدار ایجاد کند. از همین‌رو آینده اقتصاد ایران بیش از هر چیز به کیفیت گفت‌وگوی میان این دو سنت فکری وابسته است.

توسعه

ایده‌های غلط

چرا بعضی اندیشه‌ها، دهه‌ها بر سیاست‌گذاری حکومت می‌کنند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

گاهی ایده‌ها و سیاست‌های غلط، عمری طولانی‌تر از چند نسل دارند. سیاست ممکن است بارها آرموده شود، نتایج مورد انتظار را به‌بار نیاورد حتی هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل کند اما چند سال بعد با نامی تازه، ادبیاتی متفاوت یا در واکنش به بحرانی جدید دوباره به صحنه بازگردد. چرا بعضی اندیشه‌ها، حتی پس از تجربه‌های ناموفق، همچنان در سیاست‌گذاری باقی می‌مانند؟ این پرسش برای ایران اهمیت دوچندان دارد. بسیاری از بحث‌های امروز اقتصاد ایران، بازتاب رقابت میان مجموعه‌ای از ایده‌هایی هستند که دهه‌هاست در فضای فکری و سیاسی کشور حضور دارند. اگر بخواهیم اقتصاد ایران را بفهمیم، تنها مطالعه شاخص‌های تورم و رشد کافی نیست. باید بازار سیاست‌های غلط را هم بشناسیم. برای مثال یکی از ماندگارترین این ایده‌ها، سرکوب قیمت‌هاست که هم پیش از انقلاب و هم پس از انقلاب در سیاست‌گذاری تکرار شده است. این باور که دولت می‌تواند با تعیین قیمت کالاها و خدمات، تورم را مهار کند. از قیمت نان، گوشت و ارز گرفته تا خودرو، انرژی و اجاره‌ها، دولت‌ها در دوره‌های مختلف کوشیده‌اند با ابزارهای اداری قیمت‌ها را کنترل کنند. اما در بسیاری از موارد، نتیجه چیزی جز کمبود کالا، شکل‌گیری بازارهای غیررسمی، رانت و کاهش انگیزه تولید نبوده است. با این حال هر بار که موج تازه‌ای از تورم آغاز می‌شود این ایده نیز دوباره به سیاست‌گذاری بازمی‌گردد.

سیاست غلط دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، خودکفایی به هر قیمتی است. از دهه‌های پیش از انقلاب تا امروز، دستیابی به خودکفایی در بخش‌هایی مانند کشاورزی و صنعت، یکی از اهداف ثابت سیاست‌گذاران بوده است. درحالی که بسیاری از اقتصاددانان بر مزیت نسبی، تجارت و تقسیم کار بین‌المللی تأکید می‌کنند این دیدگاه همچنان در دوره‌های مختلف احیا شده و گاه هزینه‌های سنگینی به اقتصاد تحمیل کرده است. با هر بحران خارجی یا افزایش تنش‌های سیاسی دوباره این باور جان می‌گیرد که توسعه اقتصادی بیش از هر چیز در گرو کاهش وابستگی به واردات است.

ایده غلط دیگر اینکه تصور می‌کنند، دولت به‌عنوان بهترین کارآفرین و مدیر اقتصاد است. در هر دو دوره، دولت نقشی گسترده در مالکیت و اداره بنگاه‌های اقتصادی ایفا کرده هرچند دلایل و شیوه‌های این حضور متفاوت بوده است. منتقدان این رویکرد معتقدند، بنگاه‌های دولتی معمولاً به کاهش بهره‌وری، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، گسترش رانت و محدود شدن رقابت منجر می‌شود. با وجود این، هرگاه اقتصاد با بحران یا

مفقودی مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب هادی نیزه باز پیر کلاچاهی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۵۴ و کد ملی ۲۵۹۳۷۰۴۵۳ صادره از رشت در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی بهداشت محیط صادره از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با شماره ۱۰۷۶۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار قانونی است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به نشانی اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان، ستاد مرکزی ارسال نماید.
نوبت اول ۱۴۰۵/۰۴/۲۲
نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۰۱
نوبت سوم ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

مفقودی مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب هادی نیزه باز پیر کلاچاهی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۵۴ و کد ملی ۲۵۹۳۷۰۴۵۳ صادره از رشت در مقطع کاردانی رشته بهداشت محیط صادره از دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران با شماره ۱۲۰۱۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار قانونی است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران به نشانی تهران، بزرگراه همت جنب برج میلاد، دانشگاه علوم پزشکی ایران ارسال نماید.
نوبت اول ۱۴۰۵/۰۴/۲۲
نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۰۱
نوبت سوم ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

بررسی تحولات اقتصادی

سیاستی برای گروهی رانت، امتیاز یا قدرت ایجاد کند، طبیعی است که همان گروه برای حفظ آن تلاش کند. در نتیجه حتی اگر هزینه‌های آن سیاست برای کل اقتصاد آشکار باشد، باز هم شبکه‌ای از منافع شکل می‌گیرد که مانع کنار گذاشتن آن می‌شود. بسیاری از اقتصاددانان، دوام برخی سیاست‌های ناکارآمد را نه با استدلال‌های نظری بلکه با اقتصاد سیاسی توضیح می‌دهند. عامل سوم، نقش روشنفکران، دانشگاه‌ها و رسانه‌هاست. ایده‌ها خودبه‌خود زنده نمی‌مانند. کسانی باید آنها را بازتولید کنند، آموزش دهند، از آنها دفاع کنند و برای نسل‌های جدید جذاب کنند. از این منظر دانشگاه تنها محل آموزش نیست بلکه کارخانه تولید و بازتولید اندیشه است. رسانه نیز فقط خبر منتشر نمی‌کند بلکه چارچوبی می‌سازد که مردم از درون آن مسائل اقتصادی را می‌بینند و تفسیر می‌کنند. اقتصاد ایران نمونه‌های فراوانی از این پدیده دارد. برای مثال بحث قیمت‌گذاری دستوری تقریباً در هر دوره‌ای که تورم افزایش یافته، دوباره مطرح شده است. با وجود تجربه‌های متعدد از کمبود کالا، شکل‌گیری بازار سیاه یا کاهش انگیزه تولید همچنان در مقاطع مختلف این ایده دوباره به دستورکار بازمی‌گردد. با ایده خودکفایی که در دوره‌های مختلف، به‌ویژه هنگام تحریم یا بحران‌های خارجی، دوباره اهمیت پیدا می‌کند. این مثال‌ها نشان می‌دهد که ماندگاری یک ایده لزوماً به معنای موفقیت یا شکست آن نیست؛ بلکه به توانایی آن در پاسخ دادن به دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی هر دوره نیز بستگی دارد. البته این موضوع تنها به ایران محدود نیست.

مناقشه‌های اخیر میان اقتصاددانان و روشنفکران مذهبی بار دیگر این پرسش را زنده کرده که اندیشه‌ها چه سهمی در شکل دادن به مسیر توسعه کشور دارند. آیا وضعیت کنونی اقتصاد را باید صرفاً نتیجه تصمیم‌های اشتباه سیاستمداران دانست یا باید ریشه‌های آن را در ایده‌هایی جست‌وجو کرد که سال‌ها پیش در فضای فکری کشور رواج یافته‌اند؟ پاسخ به این پرسش آنان نیست اما طرح آن برای فهم تاریخ اقتصادی ایران ضروری است. واقعیت این است که بازار ایده‌ها شباهت زیادی به بازار کالاها دارد. همان‌گونه که برخی کالاها با وجود کیفیت پایین، به دلیل تبلیغات، عادت مصرف‌کنندگان یا سود رقیب همچنان فروش می‌روند، برخی اندیشه‌ها نیز به دلایل فرهنگی، سیاسی یا نهادی دوام می‌آورند. در مقابل، ایده‌های کارآمد نیز اگر نتوانند، مخاطب پیدا کنند یا به زبان قابل فهم برای جامعه ترجمه شوند ممکن است سال‌ها در حاشیه بمانند. به همین دلیل رقابت واقعی در سیاست‌گذاری، تنها رقابت میان احزاب یا دولت‌ها نیست؛ رقابت میان روایت‌ها و اندیشه‌هاست. کشوری که بازار آزاد اندیشه، دانشگاه‌های مستقل، رسانه‌های حرفه‌ای و امکان نقد مستمر را در اختیار داشته باشد، شانس بیشتری برای اصلاح خطاهای فکری دارد. برعکس هرچه فضای گفت‌وگو محدودتر باشد احتمال آنکه یک ایده برای سال‌های طولانی بدون آزمون و نقد مؤثر بر سیاست‌گذاری مسلط بماند بیشتر خواهد شد. شاید مهم‌ترین درس اقتصاد سیاسی همین باشد که هیچ ایده‌ای صرفاً به دلیل شکست یک‌باره از میان نمی‌رود و هیچ اندیشه‌ای نیز تنها به دلیل محبوبیت، درست نیست. ایده‌ها زمانی کنار گذاشته می‌شوند که رقیبی قانع‌کننده‌تر، شواهدی محکم‌تر و نهادهایی توانمندتر برای آزمون و نقد آنها وجود داشته باشد. از این منظر آینده اقتصاد ایران تنها به اصلاح سیاست‌ها وابسته نیست؛ بلکه به کیفیت بازار ایده‌ها نیز بستگی دارد. کشوری که درباره اندیشه‌های خود آزادانه گفت‌وگو کند، احتمال بیشتری دارد که سیاست‌های بهتری نیز برگزیند.

اداره کل ثبت و املاک استان گیلان حوزه ثبت ملک سنگر
آگهی موضوع ماده ۱۳ و آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۱۸۰۱۸۰۰۴۶۰۱ مورخ ۱۴۰۵۰۳/۲۷/۱۴۰۵ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن بشماره ۶۶۸ صادره از در شش دانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۱۵۸۲/۲۰ متر مربع مشتمل بر خانه و محوطه پلاک فرعی ۱۲۱ از ۳۲ اصلی فرموز و مجزی شده از ۳۲ اصلی بخش ۰۴ گیلان واقع در جویکیندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م شناسه: ۲۲۵۸۳۳۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ بدله قاسم زاده – رییس ثبت اسناد و املاک سنگر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۰۹۰۷۰۰۴۶۱ مورخه ۱۴۰۵/۰۱/۲۷/۱۴۰۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوشین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی حسن امینی به شماره شناسنامه ۱۸۹۹ فرزند یوسف در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۵/۹۱ متر مربع از ۹ اصلی واقع در بخش ۸ موجب پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۷۰۰۰۱۹۷۰ محرز گردد در صورتی که اعتراضی نداشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل گردد این محضر گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبارت به صدور مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد. شناسه آگهی: ۲۳۳۷۹۴۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ موسی حسین زاده سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوشین زهرا

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابرای رای شماره ۱۴۰۵۰۳۱۶۰۰۰۰۲۱۳ مورخه ۱۴۰۵۰۳/۲۱/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک کنگور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای پرویز فیروزآبادی به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۳۳۰۹۷۲۳۲۹ صادره ایران فرزند امیربیک مبنی برصدورسندمالکیت نسبت به شش‌دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۰۴۶۰۲۸ و ۱۹۰۴۹۰۴۹ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۸ – اصلی واقع در بخش ۹ حوزه ثبت ملک کنگور فیروز اباد بزرگ تایید و خریداری ازمالک رسمی آقای امیر بیک فیروز آبادی محرز گردیده است.لذله به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهد شد.۱۳۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ ظاهر تیما – رئیس ثبت اسنادواملاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابرای رای شماره ۱۴۰۵۰۳۱۶۰۰۰۰۲۱۳ مورخه ۱۴۰۵۰۳/۲۱/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کنگور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسلم فیروزآبادی به شناسنامه شماره ۱۴ کدملی ۳۳۰۹۹۴۸۲۶ صادره ایران فرزند رضامینی برصدورسندمالکیت نسبت به شش‌دانگ دو قطعه مزروعی به مساحت ۳۳۵۰۱۱ و ۲۱۹۲۴۰۲۷ مترمربعدر قسمتی از پلاک شماره ۸ – اصلی واقع در بخش ۹ حوزه ثبت ملک کنگور فیروز اباد بزرگ تایید و خریداری از مالک رسمی آقای امیر بیک فیروز آبادی محرز گردیده است.لذله به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهد شد.۱۳۵ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ ظاهر تیما – رئیس ثبت اسنادواملاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۰۹۰۷۰۰۴۶۱ مورخه ۱۴۰۵/۰۱/۲۷/۱۴۰۵

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوشین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی حسن امینی به شماره شناسنامه ۱۸۹۹ فرزند یوسف در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۵/۹۱ متر مربع از ۹ اصلی واقع در بخش ۸ موجب پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۷۰۰۰۱۹۷۰ محرز گردد در صورتی که اعتراضی نداشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل گردد این محضر گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبارت به صدور مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد.

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۹۴۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

موسی حسین زاده سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوشین زهرا

۲-برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۰۹۰۷۰۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۱/۲۷/۱۴۰۵

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوشین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی سکینه امینی به شماره شناسنامه ۱۹۷۱ فرزند علی اوسط در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۴/۲۴ متر مربع از ۹ اصلی واقع در بخش ۸ موجب پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۷۰۰۰۲۰۶۲ محرز گردیده است.



شب تلخ قشم

بمب یک تنی آمریکا بر سر یک خانه مسکونی

گروه اجتماعی: در ساعت ۳:۴۰ بامداد، درحالی که ساکنان محله پرتراکم «چاهتگو» در شهر قشم در خواب عمیق به سر می‌بردند انفجاری مهیب، سکوت منطقه را درهم شکست. تنها چند دقیقه پس از آنکه فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در بیانیه‌ای رسمی آغاز عملیات هدفمند خود در جنوب ایران را در پاسخ به حملات پیشین به پایگاه نیروهای آمریکایی در اردن اعلام کرد، عقربه‌های ساعت دیواری یکی از خانه‌های محله چاهتگو برای همیشه روی ساعت ۳:۴۰ متوقف شد. این ساعت متوقف شده، تصویر ماندگاری است که خبرگزاری‌های داخلی از دل آوار خانه‌ای متلاشی‌شده ثبت کرده‌اند. پیامد این انفجار، فاجعه‌بار و تلخ بود: «قصر جعفری» راننده زحمتکش تاکسی، همسرش «زهر جعفری» و فرزند دوساله‌شان «سینا» در دم جان باختند. دو فرزند دیگر این خانواده «محمدرضا» و «مهدی» پس از ساعت‌ها تلاش نیروهای امدادی از زیر خروارها خاک و بتن، زنده اما مجروح بیرون کشیده شدند و اکنون در وضعیت استیصال در بیمارستان بستری هستند. مقام‌های محلی استان هرمزگان تأیید کرده‌اند که این خانواده هیچ ارتباطی با ساختارهای نظامی یا دولتی نداشته‌اند.

کالبدشکافی شواهد دیداری و ماهواره‌ای نیویورک‌تایمز

روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» در یک بررسی همه‌جانبه تجسمی و منطبق با رویه‌های تحلیلی پیشرفته، تصاویر و ویدئوهای منتشرشده از سوی شهروندان و رسانه‌های محلی را با تصاویر دقیق ماهواره‌ای با تفکیک‌پذیری بالا تطبیق داد. نتیجه این

آموزش

بلا تکلیفی مهر

روایت‌هایی از عدم بازگشایی تاشهریه‌ها فوق نجومی مدارس



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی، سخنان ضدوتقیز درباره زمان بازگشایی مدارس و جنجال شهریه کلاس‌های آنلاین، میلیون‌ها خانواده را در بلا تکلیفی قرار داده است. درحالی که آموزش‌وپرورش بر بازگشایی حضوری از اول مهر تأکید دارد، ادامه‌دار شدن شرایط جنگی و دریافت شهریه‌های کامل بابت کلاس‌های مجازی، اعتراض‌های زیادی را برانگیخته است.

چند روز پیش، اظهارات یکی از نمایندگان مجلس درباره احتمال تأخیر در بازگشایی مدارس تا آبان ماه، خبرساز شد. اگرچه سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش خیلی سریع این موضوع را تکذیب کرد و گفت، مدارس طبق روال همیشگی از اول مهر باز می‌شوند اما این اظهارات متفاوت، باعث نگرانی و سردرگمی خانواده‌ها شده است.

خانواده‌ها و معضل امنیت دانش آموزان

وزارت آموزش‌وپرورش، اولویت اصلی خود را برگزاری کلاس‌ها به‌صورت حضوری اعلام کرده است. با این حال تداوم شرایط جنگی در کشور این سوال را پیش آورده که آیا خانواده‌ها حاضر هستند، فرزندان خود را به مدرسه بفرستند؟ برای بیشتر والدین، حفظ سلامت و امنیت بچه‌ها بر هر چیز دیگری اولویت دارد و در صورت تداوم خطرات، ترجیح می‌دهند بچه‌ها در خانه بمانند.

آموزش مجازی: کاهش کیفیت و فشار بر والدین

اگر شرایط به‌گونه‌ای شود که کلاس‌ها دوباره غیرحضوری برگزار شوند، چالش‌های آموزش آنلاین دوباره سر باز می‌کنند. به گفته کارشناسان، آموزش مجازی به‌ویژه برای دانش‌آموزان دبستانی نمی‌تواند، جایگزین کلاس حضوری شود. علاوه بر افت تحصیلی، بار اصلی یادگیری و آموزش عملاً بر دوش والدین می‌افتد؛ موضوعی که فشار زیادی به خانواده‌ها وارد می‌کند.

منفجر شده است. به گفته گراس بافت ماسه‌ای خاک منطقه قشم، بخشی از انرژی افقی موج انفجار را جذب کرده و قدرت آن را به سمت پایین هدایت کرده است؛ امری که اگرچه مانع از تخریب شعاعی وسیع‌تر شده اما گودالی عمیق و سهمگین بر جای گذاشته است. قطعات فلزی پیدا شده در محل حادثه نیز توسط هر دو کارشناس به‌عنوان بخش باله انتهایی کیت JDAM شناسایی شده است.

ویژگی‌های مهمات استفاده شده براساس اسناد پنتاگون: بمب‌های نزدیک به یک تنی (Mark-84) برای نابودی پل‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، خطوط ارتباطی و استحکامات سنگین طراحی شده‌اند. به‌کارگیری چنین مهماتی در یک محله مسکونی متراکم، حاصلی جز فاجعه انسانی ندارد.

ابعاد حقوقی و نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حمله به قشم که واکنش آن را بخشی از پاسخ‌های تلافی‌جویانه خود عنوان کرده، پرسش‌های حقوقی و اخلاقی جدی را برانگیخته است. براساس کنوانسیون‌های ژنو و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل «تفکیک» میان اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل «تناسب» در استفاده از سلاح، اساس مشروعیت هرگونه اقدام نظامی است. «تام‌داننبوم»، حقوق‌دان

به گفته او، هرچند کیفیت آموزش در مدارس غیردولتی نسبت به مدارس دولتی، تفاوت محسوسی دارد اما این تفاوت لزوماً به معنای رضایت خانواده‌ها از آموزش مجازی نیست؛ «پسرم در مدرسه دولتی درس می‌خواند و دخترم در مدرسه غیردولتی. وقتی کیفیت آموزش این دو را مقایسه می‌کنم، تفاوت کاملاً محسوس است. در مدارس دولتی، آموزش مجازی عمدتاً بر بستر «شاد» انجام می‌شود؛ سامانه‌ای که همواره با مشکلات دسترسی و ضعف در تعامل آموزشی روبه‌رو بوده است».

عادی‌سازی شرایط جنگی

ملک‌زاده می‌گوید، آنچه در گفت‌وگو با مسئولان آموزش‌وپرورش بیش از همه به چشم می‌آید، تلاش برای عادی‌سازی شرایط است. به گفته او، مسئولان بر این باورند که باید وضعیت کنونی را مشابه سال‌های جنگ در نظر گرفت؛ همان‌طور که در دوران جنگ تحمیلی، مدارس و مراکز آموزشی به فعالیت خود ادامه می‌دادند اکنون نیز نباید جنگ موجب توقف آموزش شود. او البته تأکید می‌کند که این نگاه با واقعیت امروز جامعه فاصله دارد؛ «نوع نگرش خانواده‌های امروز با خانواده‌های دهه ۶۰ تفاوت زیادی دارد و نمی‌توان همان الگو را به شرایط فعلی تعمیم داد. بسیاری از والدین به دلیل نگرانی‌های امنیتی حاضر نیستند، فرزندشان را به مدرسه بفرستند و این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده که در قبال این خانواده‌ها چه تصمیمی گرفته خواهد شد».

این کارشناس آموزشی درباره استدلال مدارس غیردولتی برای دریافت کامل شهریه نیز می‌گوید، مدیران مدارس معتقدند، هزینه‌های اصلی مدرسه با مجازی شدن آموزش حذف نمی‌شود. به گفته آنها اجاره ساختمان، حقوق معلمان و هزینه‌های جاری مانند آب، برق، گاز و تلفن همچنان پابرجاست و معلمان نیز در کلاس‌های مجازی تدریس می‌کنند؛ بنابراین شهریه مصوب باید به‌طور کامل پرداخت شود.

با این حال، او می‌گوید حتی مسئولان آموزش‌وپرورش نیز پذیرفته‌اند که هزینه برخی خدماتی که ارائه نشده، مانند سرویس رفت‌وآمد، تغذیه یا فوق‌برنامه‌های برگزار نشده نباید از خانواده‌ها دریافت شود و باید بازگردانده شود. با وجود این به گفته ملک‌زاده بسیاری از خانواده‌ها می‌گویند این مبالغ نیز به آنها مسترد نشده است؛ موضوعی که بیش از هر چیز ضعف نظارت بر عملکرد مدارس را نشان می‌دهد. به گفته او، پاسخ مسئولان نیز معمولاً این است که خانواده‌ها در صورت مشاهده تخلف، شکایت خود را ثبت کنند تا موضوع بررسی شود.

زنگ خطر جدی در بازار دارو

کمبود شدید داروهای

سرطان، ام‌اس و دیابت در بازار

درحالی که مسئولان از تداوم تولید داخلی و وجود ذخایر راهبردی دارو سخن می‌گویند، عالان این حوزه معتقدند، صنعت داروی کشور همچنان با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ چالش‌هایی که از وابستگی به واردات مواد اولیه تا مشکلات ارزی، کمبود نقدینگی و اختلال در زنجیره تأمین، بازار دارو را تحت‌فشار قرار داده است. محمد طاهری، داروساز و کارشناس امور دارویی، با اشاره به اینکه حدود ۹۷ درصد داروهای مصرفی کشور در داخل تولید می‌شود، تأکید می‌کند این آمار به معنای استقلال کامل صنعت دارو نیست. به گفته او، بخش مهمی از مواد اولیه، مواد مؤثره و برخی اقلام جانبی مورد نیاز کارخانه‌های داروسازی همچنان از خارج کشور تأمین می‌شود و همین وابستگی باعث شده تحریم‌ها، مشکلات نقل‌وانتقال پول، تأخیر در تخصیص ارز و محدودیت‌های تجاری مستقیماً بر روند تولید اثر بگذارد.

همزمان، کمبود برخی اقلام دارویی نیز بیماران را با مشکلات جدی مواجه کرده است. این کارشناس به خبر آنلاین می‌گوید: در حوزه سرطان برخی داروهای کمکی مورد استفاده در کنار شیمی‌درمانی به سختی یافت می‌شوند. در بخش بیماری ام‌اس نیز تعدادی از اینترنت‌فرون‌ها و حتی برخی برندهای تولید داخل با کمبود مواجه هستند؛ موضوعی که برای بیماران که سال‌ها از یک برند مشخص استفاده کرده‌اند، امکان تغییر دارو را دشوار کرده است.

به گفته طاهری این کمبودها به همین موارد محدود نمی‌شود. برخی انسولین‌های خارجی و تعدادی از داروهای خوراکی دیابت، داروی «آسترترا» در حوزه اعصاب و روان، فاکتور ۸ و برخی فرآورده‌های خونی مورد نیاز بیماران هموفیلی نیز ازجمله اقلامی هستند که طی ماه‌های اخیر دسترسی به آنها با مشکل همراه بوده است.

در کنار کمبودها، افزایش هزینه تولید نیز فشار مضاعفی بر صنعت دارو وارد کرده است. رشد قیمت مواد اولیه و محصولات پتروشیمی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، مشکلات ناشی از تحریم‌ها و تأخیر در تخصیص ارز از مهم‌ترین عواملی هستند که به گفته کارشناسان، هزینه تولید را بالا برده‌اند. طاهری می‌گوید در برخی موارد تولیدکنندگان ماه‌ها در انتظار دریافت ارز می‌مانند و همین مسئله، واردات مواد اولیه و اجرای قراردادهای خارجی را با اختلال مواجه می‌کند؛ وضعیتی که در نهایت، هم تولیدکنندگان را با مشکلات مالی روبه‌رو کرده و هم دسترسی بیماران به برخی داروها را تحت‌تأثیر قرار داده است.

